



Article Type: Research paper

The Impact of China's influence on the U.S. Strategy in the West Asia Region from 2021 to 2025

Mohammad Reza Hatamvand¹, *Rahmat HajiMineh², Nozer Shafiee³

1. Department of International Relations, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, ET.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor of International Relations, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Article Info.

Received: 09/02/2025

Accepted: 04/05/2025

Available Online: 28/08/2026

Keywords:

China, United States; West Asia; East Asia; Offensive realism.

* Corresponding Author:

Rahmat HajiMineh

Address: Department of Law,
ET.C., Islamic Azad University,
Tehran, Iran.

E-mail:

Rahmat.hajimineh@iau.ac.ir

Abstract

China, as an emerging power in the world, has rapidly increased its influence in the West Asia region. Since the rise of communism in China, the country has established strong relations with several countries in the region. Now Beijing seen as a serious competitor to the hegemony of the United States. The growing economy, military power, market productivity, and the so-called non-interventionist approach provide China with a powerful leverage for further engagement with countries in West Asia. China's ambitions in West Asia are not limited to oil, gas, and markets; this region also holds strategic importance, and the "Belt and Road Initiative" encompasses all aspects of it. Currently, China's expanding diplomatic, economic, and military power has become a serious threat to the United States. The goal of this research is to examine the dimensions of China's increasing influence on regional security and its impact on changing U.S. policies toward this region. In this context, the main research question is: How has China's growing influence in West Asia affected the shift in U.S. strategy in the region from 2021 to 2025? This study, based on a methodology and approach grounded in qualitative and descriptive-analytical methods, analyzes how China's influence has raised concerns in the United States regarding West Asia and has led to a revival of U.S. influence and presence through a return to the region, economic diplomacy, technological diplomacy, and the adoption of new multilayered alliance-building policies in the region between 2021 and 2025.

How to Site:

Hatamvand, M., Hajimineh, R. and Shafie, N. (2026). The impact of China's influence on the U.S. strategy in the West Asia region from 2021 to 2025. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8, (1), 252-281.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

تأثیر نفوذ چین بر راهبرد آمریکا در منطقه غرب آسیا از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵

محمدرضا حاتم وند^۱، * رحمت حاجی مینه^۲، نوذر شفیعی^۳

۱. گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار روابط بین الملل، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

چین به عنوان یک قدرت نوظهور در جهان، نفوذ خود را در منطقه غرب آسیا به سرعت افزایش داده است. از زمان به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در چین، این کشور روابط خوبی را با چندین کشور در منطقه برقرار کرده است و اکنون پکن نه تنها دشمنی در آنجا ندارد، بلکه به عنوان یک رقیب جدی برای هژمونی ایالات متحده دیده می‌شود. اقتصاد رو به رشد، قدرت نظامی، بهره‌وری بازار و رویکرد به اصطلاح عدم مداخله‌گرانه، اهرمی قدرتمند را برای تعامل بیشتر با کشورهای غرب آسیا در اختیار چین قرار داده است. جاه طلبی‌های چین در غرب آسیا تنها محدود به نفت، گاز و بازار نیست، بلکه این منطقه از اهمیت راهبردی نیز برخوردار است و ابتکار «کمربند-راه» شامل تمامی جنبه‌ها می‌شود. در مقطع کنونی قدرت دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی در حال گسترش چین به یک تهدید جدی برای ایالات متحده تبدیل شده است، هدف این پژوهش بررسی ابعاد نفوذ فزاینده چین بر امنیت منطقه و تأثیر آن بر تغییر سیاست ایالات متحده نسبت به این منطقه است. در این راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که گسترش نفوذ چین در غرب آسیا چه تأثیری بر تغییر راهبرد آمریکا در این منطقه از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ داشته است؟ پژوهش حاضر بر اساس روش‌شناسی و رویکردی مبتنی بر روش‌های کیفی و توصیفی-تحلیلی، به تحلیل این مسئله پرداخته است که نفوذ چین باعث نگرانی‌های ایالات متحده نسبت به غرب آسیا و احیای مجدد نفوذ و حضورش از طریق بازگشت به منطقه، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی فناوری و درپیش گرفتن سیاست‌های ائتلاف سازی چند لایه جدید در منطقه در طول سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ شده است.

تاریخ دریافت: ۲۱ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۶ شهریور ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:

چین، آمریکا، غرب آسیا،
شرق آسیا، واقع گرایی
تهاجمی.

* نویسنده مسئول:

رحمت حاجی مینه

نشانی: گروه حقوق، واحد تهران
شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران.

پست الکترونیک:

Rahmat.hajimineh@iau.ac.ir

استناد به این مقاله:

حاتموند، محمدرضا و حاجی مینه، رحمت و شفیعی، نوذر. (۱۴۰۵). تأثیر نفوذ چین بر راهبرد آمریکا در منطقه غرب آسیا از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. ۲۵۲-۲۸۱.

۱. مقدمه

در دنیای معاصر، چین به عنوان یک قدرت نوظهور با رشد سریع اقتصادی، افزایش قدرت نظامی و تأثیرات سیاسی گسترده، توانسته است خود را به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در عرصه جهانی مطرح کند. در حال حاضر این کشور به یکی از قدرت‌های اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی در سطح جهانی تبدیل شده است. از زمان به قدرت رسیدن حزب کمونیست چین و پیگیری سیاست‌های مبتنی بر توسعه اقتصادی، روابط چین با کشورهای مختلف در مناطق مختلف جهان به ویژه در منطقه غرب آسیا به طرز چشمگیری گسترش یافته است. این روند نه تنها بر تغییرات در ساختار سیاسی و اقتصادی منطقه تأثیر گذاشته، بلکه باعث تغییراتی در موازنه‌های قدرت جهانی نیز شده است.

چین به ویژه از زمان معرفی ابتکار «کمربند راه»^۱ در سال‌های اخیر، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. این طرح که هدف آن توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و تجاری در سطح جهانی است، نقش قابل توجهی در گسترش نفوذ چین در کشورهای غرب آسیا ایفا کرده است. این کشور با اتکا به سیاست عدم مداخله و رویکرد اقتصادی که بیشتر بر همکاری‌های دوطرفه و سودمند متقابل تأکید دارد، توانسته است روابط مستحکمی با کشورهای مختلف منطقه برقرار کند. در این میان، چین علاوه بر بهره‌برداری از منابع طبیعی مانند نفت و گاز، به دنبال نفوذ در بخش‌های مختلف اقتصادی، نظامی و راهبردی منطقه غرب آسیا است (Zhang, 2022).

اهمیت راهبردی منطقه غرب آسیا از دیرباز برای قدرت‌های جهانی مشهود بوده است. موقعیت جغرافیایی خاص غرب آسیا و منابع غنی انرژی آن، این منطقه را به یکی از کانون‌های اصلی رقابت‌های بین‌المللی تبدیل کرده است. در این راستا، چین توانسته است به شکلی فزاینده در این منطقه تأثیرگذار باشد و سیاست‌های خود را در جهت تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود پیش ببرد. این نفوذ به ویژه در برابر قدرت‌های سنتی مانند ایالات متحده که سال‌هاست در این منطقه حضور پررنگی داشته‌اند، یک چالش جدی ایجاد کرده است.

در این راستا هدف این پژوهش بررسی ابعاد نفوذ فزاینده چین در منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر تغییر سیاست ایالات متحده نسبت به این منطقه است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که گسترش نفوذ چین در غرب آسیا چه تأثیری بر تغییر سیاست‌های آمریکا در این

1. Belt and Road Initiative (BRI)

منطقه از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ داشته است؟ پژوهش حاضر بر اساس روش‌شناسی و رویکردی مبتنی بر روش‌های کیفی و توصیفی-تحلیلی، از طریق چارچوب نظری «واقع‌گرایی ته‌اجمی»^۲ به تحلیل این مسئله پرداخته است که نفوذ چین باعث نگرانی‌های ایالات متحده نسبت به غرب آسیا و احیای مجدد نفوذ و حضورش از طریق بازگشت به منطقه، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی فناوری و درپیش گرفتن سیاست‌های ائتلاف‌سازی چند لایه جدید در منطقه در طول سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ شده است.

۲. پیشنهاد پژوهش

در خصوص رقابت آمریکا و چین پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. به‌عنوان مثال پاک باطن و طالبی (۱۴۰۳) در پژوهشی تحت عنوان «آمریکا و سیاست مهار چین در غرب آسیا»، به بررسی راهبردهای ایالات متحده در مقابله با نفوذ فزاینده چین در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) می‌پردازند. در این مقاله، نویسندگان به تحلیل اهداف، ابزارها و پیامدهای سیاست‌های آمریکا در مهار چین در این منطقه راهبردی پرداخته‌اند. بر اساس نتیجه‌گیری نویسندگان آمریکا با استفاده از ابزارهای مختلف در تلاش است تا مانع از تبدیل شدن چین به یک رقیب راهبردی در غرب آسیا شود. با این حال، چین نیز با تکیه بر مزیت‌های اقتصادی و دیپلماسی فعال، به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه است. این رقابت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر تحولات آتی غرب آسیا داشته باشد.

کریمی فرد (۱۴۰۲) در اثری دیگر با عنوان «تحلیل رقابت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و چین در خاورمیانه در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳» به بررسی رقابت‌های فزاینده آمریکا و چین در خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ می‌پردازد. نویسنده استدلال می‌کند که خاورمیانه به یک عرصه کلیدی برای رقابت ژئوپلیتیک دو قدرت تبدیل شده است، به‌ویژه با توجه به عواملی چون کاهش نسبی حضور نظامی آمریکا پس از خروج از افغانستان، افزایش سرمایه‌گذاری‌های چین در چارچوب ابتکار «کمربند-راه» و تغییر موازنه قدرت در منطقه با نقش‌آفرینی بازیگرانی مانند ایران، روسیه و کشورهای عربی. بر اساس یافته‌های این پژوهش رقابت آمریکا و چین در خاورمیانه بیشتر اقتصادی است تا نظامی، اما پیامدهای امنیتی دارد. به عقیده نگارنده آمریکا هنوز برتری نظامی حفظ کرده است، اما چین با ابزارهای اقتصادی در حال تغییر معادلات در

2. Offensive realism

منطقه است. در نتیجه در بلندمدت، ممکن است خاور میانه به یک منطقه چندقطبی تبدیل شود که هیچ قدرت خارجی بر آن مسلط نباشد.

همچنین ساهو (۲۰۲۴) در مقاله دیگری تحت عنوان «آمریکا و غرب آسیا: یک حساسیت همیشگی» با هدف ارائه نگاهی تاریخی به این رابطه پیچیده و بررسی پیامدهای تمرکز مداوم ایالات متحده بر این منطقه نگاشته شده است. نگارنده معتقد است اختصاص مداوم منابع برای حمایت از اوکراین و اسرائیل در درگیری‌هایشان، روند تضعیف نفوذ آمریکا را سرعت بخشیده و روابط این کشور با سایر متحدانش در غرب آسیا را تحت فشار قرار داده است. در نتیجه این وضعیت بی‌اعتمادی میان آمریکا و متحدانش در منطقه غرب آسیا را تشدید کرده و فرصتی را برای افزایش نفوذ چین فراهم آورده است. به این ترتیب آمریکا باید به‌جای پافشاری بر وضعیت موجود در روابط با کشورهای غرب آسیا، رویکردی واقع‌گرایانه‌تر در پیش بگیرد. به عقیده نگارنده بازنگری و تمرکز مجدد بر سیاست چرخش به سوی آسیا برای مقابله با نفوذ چین امری ضروری است. با تحلیل اثرات این رابطه چندلایه، این مقاله در نهایت پیشنهاد می‌دهد که آمریکا باید تغییراتی در سیاست‌های خود ایجاد کند؛ از جمله بازنگری در حمایت بی‌قید و شرط از متحدان خود و چرخش به سوی منطقه هند-آرام، تا منافع آینده‌اش بهتر تأمین شود.

پی (۲۰۲۲) در مقاله دیگری تحت عنوان «چگونه آمریکا می‌تواند بر نفوذ چین در خاور میانه غلبه کند» راهبردهای ایالات متحده برای مقابله با نفوذ فزاینده چین در خاور میانه را بررسی می‌کند. نویسنده با اشاره به موفقیت چین در تبدیل شدن به شریک تجاری اصلی منطقه از طریق ابتکار «کمربند-راه»، پیشنهاد می‌کند آمریکا باید بر مزیت‌های رقابتی خود مانند فناوری‌های پیشرفته، همکاری‌های دفاعی و دیپلماسی فعال تمرکز کند. راهکارهای کلیدی شامل ارائه جایگزین‌های جذاب‌تر برای پروژه‌های چینی، تقویت روابط با متحدان سنتی، ایجاد پلتفرم‌های چندجانبه جایگزین و اعمال فشارهای هدفمند بر شرکت‌های چینی است. نویسنده هشدار می‌دهد که رویکردهای تقابلی صرف ممکن است نتیجه معکوس دهد و تأکید می‌کند آمریکا نباید کشورهای منطقه را مجبور به انتخاب بین دو طرف کند، بلکه باید با ترکیبی از رقابت سازنده و همکاری‌های انتخابی، ضمن حفظ برتری تکنولوژیک خود، نفوذ چین را که اجتناب‌ناپذیر اما قابل مدیریت است، مهار نماید. موفقیت این راهبرد مستلزم صبر راهبردی و سرمایه‌گذاری در مزیت‌های نسبی آمریکاست.

با توجه به منابع ذکرشده نوآوری این پژوهش در پیوند تحلیلی میان دو روند عمده در نظام بین‌الملل معاصر نهفته است: نخست، گسترش روزافزون نفوذ چین در منطقه راهبردی غرب آسیا از طریق ابزارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی؛ و دوم، تأثیر مستقیم این روند بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه. درحالی‌که اغلب مطالعات پیشین به‌صورت جداگانه به بررسی سیاست‌های چین یا آمریکا در غرب آسیا پرداخته‌اند، این مقاله با رویکردی تلفیقی تلاش کرده است تا رابطه تعاملی و رقابتی میان این دو قدرت بزرگ را در بستر منطقه‌ای تحلیل کند. ازجمله جنبه‌های متمایز مقاله، تمرکز بر نقش چین به‌عنوان یک متغیر خارجی مؤثر بر بازتعریف منافع و رویکردهای آمریکا در غرب آسیا است؛ موضوعی که تاکنون کمتر به‌صورت مستقیم مورد واکاوی قرار گرفته است. همچنین، بررسی این رقابت ژئوپلیتیکی نوظهور در چارچوب سیاست‌هایی نظیر ابتکار «کمربند-راه»، توافقات راهبردی چین با کشورهای مانند ایران و عربستان و نیز واکنش‌های متقابل آمریکا به این تحقیق بعدی به‌روز، کاربردی و مبتنی بر واقعیات جاری بخشیده است. بدین ترتیب، این پژوهش تلاشی است برای پر کردن خلأ موجود در ادبیات روابط بین‌الملل درباره بازتاب‌های منطقه‌ای رقابت چین و آمریکا، آن‌هم در منطقه‌ای که به‌طور سنتی تحت نفوذ ایالات متحده تلقی می‌شده است.

۳. چارچوب نظری: واقع‌گرایی تهاجمی

نظریه واقع‌گرایی پایدارترین و مهم‌ترین نظریه در روابط بین‌الملل است. جاذبه بی‌نظیر این نظریه به علت قرابت آن با عملکرد سیاستمداران در نظام بین‌الملل و فهم آن‌ها از سیاست بین‌الملل است. این نظریه اساساً به‌عنوان جریان اصلی در روابط بین‌الملل و تحت عنوان مکتب «سیاست قدرت» از آن یاد می‌شود. این نظریه در فرم کلاسیک خود در کتاب جنگ‌های پلپونزی (توسیدید) به تصویر کشیده شده است (Moshirzadeh, 2007: 73).

اصطلاح واقع‌گرایی «تدافعی» و «تهاجمی» نخستین بار توسط اسنایدر^۳ به کار برده شد. واقع‌گرایی تهاجمی با توجه به مبانی واقع‌گرایانه خود، مدعیست که آنارشیست بودن نظام بین‌الملل، موجب بروز رفتار تهاجمی از سوی دولت‌ها در محیط بین‌المللی می‌شود. از نگاه واقع‌گرایان تهاجمی، آنارشی بین‌المللی عموماً از نوع هابزی است که در آن امنیت موضوعی کمیاب است و دولت‌ها تلاش می‌کنند با به حداکثر رساندن منافع خود نسبت به دیگر

3. Jack Snyder

بازیگران به آن دست پیدا کنند (Snyder, 1991: 12).

مرشایمر^۴ به عنوان یکی از مهم ترین نظریه پردازان واقع گرایی تهاجمی، بر این عقیده است که هر نظم بین المللی، محصول رقابت بین قدرت های بزرگ در آن نظام است. واقع گرایی تهاجمی ضمن تأیید مفروضه های واقع گرایی کلاسیک یعنی ماهیت آنارشیک نظام بین الملل، تلاش برای بقا، خودیاری، دولت محوری و قدرت محوری، معتقد است ماهیت آنارشیک نظام بین الملل اساساً بدخیم است. در همین راستا قدرت های بزرگ همواره به تلاش خود برای افزایش سهم نسبی شان از قدرت جهانی ادامه می دهند. آن ها همچنین در صورت یافتن فرصتی مناسب قطعاً نظم بین المللی حاکم را دگرگون خواهد کرد. همچنین کشورهای در آستانه افول تلاش می کنند تا جلوی تنش را گرفته و حافظ نظم موجود می باشند، اما باید این نکته را در نظر گرفت انگیزه نهایی آن ها از این عمل در راستای برقراری موازنه قواست و نه تعهد اخلاقی آن ها نسبت به صلح بین المللی (Mearsheimer, 2010: 57).

برخلاف واقع گرایی کلاسیک (مورگنتایس)، واقع گرایی تهاجمی علت کنش، تفکر، رفتار تهاجمی و حرکت به سمت هژمونی قدرت های بزرگ را ناشی از ساختار نظام بین الملل می داند و نه خصوصیات فردی آن ها. در منطق واقع گرایی تهاجمی قدرت در ذات سیاست بین الملل است. در این راستا دولت ها اصولاً دارای دو نوع قدرت می باشند: قدرت پنهان (عناصر اجتماعی اقتصادی برای ایجاد قدرت نظامی) و قدرت نظامی (قدرت کارآمد و مؤثر یک دولت در مقابل رقیبان خود) (Mearsheimer, 2010: 63-64).

در این راستا قدرت های بزرگ چهار هدف اصلی را در نظام بین الملل دنبال می کنند:

- تبدیل شدن به یک هژمون منطقه ای،

- کنترل بیشترین درصد ممکن از ثروت جهان،

- تسلط بر موازنه قدرت زمینی در منطقه خود؛ و

- دستیابی به تفوق هسته ای (Mearsheimer, 2001: 40-42).

دستیابی به اهداف ذکر شده برای دولت ها، در واقع به معنای کسب قدرت بیشتر است و

4. John Mearsheimer

دولت‌ها برای افزایش قدرت خود از راهبردهای مختلفی استفاده می‌کنند، از جمله:

- جنگ: جنجال‌برانگیزترین راهبردی است که قدرت‌های بزرگ می‌توانند برای افزایش سهم خود از قدرت جهانی به کار ببرند. در حقیقت تهاجم می‌تواند دستاوردهای اقتصادی مطلوبی برای کشور مهاجم داشته باشد؛

- باج‌گیری: یک دولت می‌تواند بدون جنگ و صرفاً از طریق تهدید به استفاده از حمله نظامی، قدرت خود را در مقابل رقبا افزایش دهد. در این روش حتی اگر به اقدام عملی منجر نشوند، می‌توانند به نتایج مطلوب آن دولت منجر شوند؛

- طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش: راهبرد سومی که دولت‌ها برای افزایش قدرت نسبی خود استفاده می‌کنند، عبارت است از ایجاد درگیری بین دو رقیب و درگیر کردن آن‌ها در یک جنگ طولانی. با این روش، رقبا یکدیگر را تضعیف یا نابود می‌کنند، درحالی‌که کشور تحریک‌کننده (طعمه‌گذار) در امان می‌ماند و قدرت نظامی آن بدون آسیب باقی می‌ماند؛

- آتش‌بیاری معرکه: هدف اصلی این راهبرد اطمینان از این است که هر درگیری بین رقبا به یک جنگ طولانی و پرهزینه تبدیل شود تا قدرت رقبا تحلیل رود. کشوری که این راهبرد را به کار می‌گیرد، اساساً به دنبال نابودی رقبا توسط یکدیگر است (Mearsheimer, 2001: 144-150).

قدرت‌های بزرگ نه تنها به دنبال افزایش قدرت خود در برابر رقبا هستند، بلکه قصد دارند تا مانع از افزایش قدرت یابی رقبا به زیان خود شوند. بر این اساس مهم‌ترین راهبردها که برای مقابله با تهدید رقبا بدین شرح است:

- موازنه‌سازی^۵: از طریق ایجاد موازنه یک قدرت بزرگ مسئولیت جلوگیری از برهم خوردن توازن قوا توسط یک دولت مهاجم را بر عهده می‌گیرد؛ این راهبرد می‌تواند به صورت انجام شود؛ ارسال پیام‌های دیپلماتیک برای دولت مهاجم و نیز ایجاد یک ائتلاف دفاعی در مقابل دولت مهاجم (Mearsheimer, 2001: 156-158)؛

- احاله مسئولیت^۶: اصلی‌ترین جایگزین برای موازنه‌سازی توسط یک قدرت بزرگ که

-
5. Balancing
 6. Buck-Passing

مورد تهدید قرار گرفته است. کشوری که این راهبرد را انتخاب می‌کند، تلاش می‌کند تا دیگران را وادار به تقبل هزینه‌های ایجاد موازنه یا جنگ محتمل را بر عهده گیرند، در حالی که خودش از درگیری مستقیم دور می‌ماند (Mearsheimer, 2001:267-268).

همان‌طور که مشاهده می‌شود واقع‌گرایی تهاجمی با تأکید بر بدخیم بودن آنارشی بین‌المللی از یکسو و برشماری راهبردهای گوناگون دولت‌ها برای دستیابی به اهدافشان، چارچوب مناسبی را در جهت تبیین رفتار بازیگران در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. در نتیجه با توجه به مفروضات واقع‌گرایی تهاجمی، رقابت چین و آمریکا در غرب آسیا را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای بارز از رفتار قدرت‌های بزرگ در یک نظام آنارشیک و بدخیم تفسیر کرد. این رقابت نه تنها ناشی از ماهیت ذاتی دولت‌ها برای کسب قدرت و بقا است، بلکه ساختار نظام بین‌الملل نیز آن‌ها را به سمت افزایش قدرت نسبی و هژمونی منطقه‌ای سوق می‌دهد. در این چارچوب، به تحلیل رفتار هرکدام از این دو بازیگر می‌پردازیم:

اهداف راهبردی چین و آمریکا در غرب آسیا: هدف آمریکا به‌عنوان یک قدرت هژمون در نظام بین‌الملل حفظ برتری خود در غرب آسیا (به‌ویژه کنترل منابع انرژی، مهار رقبای منطقه‌ای و جلوگیری از ظهور هژمون‌های جدید) است. راهبرد آمریکا ترکیبی از موازنه سازی (مانند ائتلاف با عربستان و اسرائیل) و احاله مسئولیت (مانند کاهش حضور مستقیم و تکیه بر متحدان منطقه‌ای) است. چین نیز باهدف تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای در آسیا و رقابت با آمریکا، به دنبال نفوذ اقتصادی و نظامی در غرب آسیا است. ابتکار «کمربند-راه» ابزار اصلی چین برای گسترش نفوذ اقتصادی و دستیابی به منابع انرژی است. چین همچنین از راهبرد طعمه‌گذاری (مانند تقویت روابط با ایران و عربستان به‌صورت هم‌زمان) برای تضعیف اتحادهای آمریکا استفاده می‌کند.

راهبردهای به‌کاررفته توسط دو قدرت: اول، تهاجم غیرمستقیم از طریق (باج‌گیری و آتش‌باری معرکه): آمریکا از تحریم‌ها (به‌عنوان ابزار باج‌گیری) و حمایت از گروه‌های مخالف دولت‌های طرفدار چین برای ایجاد بی‌ثباتی استفاده می‌کند و چین با استفاده از افزایش قدرت اقتصادی (مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشورهای منطقه) سعی در جذب متحدان و افزایش نفوذ خود دارد. دوم، موازنه سازی: آمریکا با تقویت ناتو و همکاری با اسرائیل و کشورهای عربی، سعی در مهار نفوذ چین دارد و چین با ایجاد مشارکت‌های راهبردی

با کشورهای منطقه (مانند توافق ۲۵ ساله با ایران) به موازنه سازی در برابر آمریکا می‌پردازد.

۴. اهمیت منطقه غرب آسیا

غرب آسیا به دلیل اهمیت اقتصادی، راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای حیاتی برای ایالات متحده و چین است. از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، این منطقه به‌عنوان عرصه‌ای برای افزایش نفوذ و رقابت بر سر هژمونی عمل می‌کند، چراکه کنترل بر آن مستقیماً بر موازنه قوا در سطح جهانی تأثیر می‌گذارد. برای ایالات متحده این منطقه برای راهبرد جهانی آن ضروری است، زیرا این منطقه یک عمده تولیدکننده انرژی و نقطه ترانزیت تجارت جهانی است. ایالات متحده چندین منافع راهبردی از جمله حفظ ثبات منطقه، حفاظت از متحدان و تضمین دسترسی به منابع انرژی در منطقه دارد. برای دستیابی به این اهداف ایالات متحده در چندین جبهه منطقه‌ای درگیر بوده و دارای منافع سیاسی و امنیتی قابل توجهی است. ایالات متحده همچنین چندین پایگاه نظامی کلیدی در منطقه دارد که برای نمایش قدرت نظامی و حفاظت از منافع آن حیاتی هستند (Mandelbaum, 2019: 117).

به‌طور مشابه، چین تعامل خود را با غرب آسیا به‌ویژه در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری افزایش داده است. چین با اتکا به رشد قدرت سخت‌افزاری و دیپلماسی اقتصادی خود، به دنبال تضعیف هژمونی آمریکا در غرب آسیا است. این منطقه یکی از اجرای کلیدی ابتکار «کمربند-راه» چین است که به دنبال تقویت اتصال و همکاری اقتصادی در سراسر آسیا و فراتر از آن است. برای چین، غرب آسیا برای امنیت انرژی حیاتی است زیرا تأمین‌کننده اصلی نفت و گاز است. چین برای اطمینان از برآورده شدن نیازهای انرژی خود سرمایه‌گذاری زیادی در بخش انرژی منطقه انجام داده است. علاوه بر این، غرب آسیا از نظر ژئوپلیتیکی نیز برای چین اهمیت زیادی دارد، زیرا میزبان چندین شریک راهبردی کلیدی است که برای جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و جهانی آن حیاتی هستند. چین به‌طور فزاینده‌ای درگیر برخی از مناقشات منطقه‌ای از جمله جنگ داخلی سوریه و درگیری‌های جاری در یمن بوده است که بخشی از آن به دلیل تمایل این کشور برای محافظت از سرمایه‌گذاری‌های خود و حفظ ثبات منطقه است (Nagy, 2023: 1-2).

افزایش استفاده از نیروی نظامی در منطقه در قالب مأموریت‌های متعدد، افزایش نفوذ نظامی از طریق رزمایش‌های دوجانبه و چندجانبه، تجارت تسلیحات با دولت‌های منطقه، حضور پیمانکاران امنیتی و شرکت‌های خصوصی امنیتی برای محافظت از پروژه‌های ابتکار «کمربند-

راه»، توسعه نظامی دریایی، توسعه پایگاه‌های لجستیکی، مبارزه با تروریسم و دزدان دریایی و... زمینه‌های حضور چین در منطقه را فراهم ساخته است (Benabdallah et al., 2021:17). این مداخلات فزاینده چین در مناقشات منطقه‌ای نه صرفاً برای ثبات، بلکه برای جلوگیری از تسلط یکجانبه آمریکا و ایجاد موازنه قوا به نفع خود است. از نگاه واقع‌گرایی ته‌اجمی، رقابت انرژی و کنترل مسیرهای دریایی (مانند تنگه هرمز) نیز بخشی از جنگ گسترده‌تر بر سر هژمونی جهانی است.

۴-۱. راهبردهای چین برای گسترش نفوذ در غرب آسیا

حضور چین در منطقه غرب آسیا دارای ابعاد متعددی از جمله ابعاد تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی است که در سال‌های اخیر با رشد چشمگیری همراه بوده است. در عصر حاضر، نیاز به انرژی، بازار وسیع و موقعیت جغرافیایی منطقه که آفریقا و اروپا را از طریق مسیر دریایی به هم متصل می‌کند، منافع چین در این منطقه را تشکیل می‌دهند. بدیهی است که از زمان اعلام ابتکار «کمربند-راه» در سال ۲۰۱۳ توسط رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ، انتظارات چین نیز افزایش یافته است. چین بر این باور است که کشورهای این منطقه می‌توانند نقشی محوری در تسهیل پروژه‌های مرتبط با ابتکار «کمربند-راه» ایفا کنند؛ بنابراین جاه‌طلبی‌های چین در منطقه غرب آسیا را می‌توان به‌عنوان تلاش برای افزایش همکاری‌های دیپلماتیک، همکاری‌های اقتصادی و در نهایت تقویت روابط نظامی این کشور دانست (Abu Zafar, 2022:41).

بر اساس آمار بانک جهانی (۲۰۲۳)، حجم تجارت چین با کشورهای غرب آسیا از ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۳۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. همچنین، داده‌های مؤسسه پژوهش‌های راهبردی چین نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم چین در پروژه‌های انرژی و زیرساختی منطقه از ۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به حدود ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است (CICIR, 2023).

در حوزه نظامی، گزارش مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس (۲۰۲۳) حاکی از آن است که فروش تسلیحات چین به کشورهای منطقه در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ رشد ۱۷۰ درصدی داشته است. همچنین، تأسیس پایگاه نظامی در جیبوتی در سال ۲۰۱۷ و افزایش تعداد تمرینات مشترک نظامی چین با کشورهای منطقه از ۲ مورد در سال ۲۰۱۳ به ۱۲ مورد در سال ۲۰۲۲ مؤید گسترش نفوذ چین در منطقه است (IIS, 2023).

در زمینه دیپلماتیک، تعداد دیدارهای مقامات عالی‌رتبه چینی با هم‌تایان غرب آسیایی‌شان از ۱۵ مورد در سال ۲۰۱۳ به ۴۲ مورد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است (Ministry of Foreign Affairs of China, 2023). این ارقام نشان می‌دهد که ابتکار «کمربند-راه» به‌عنوان محرک اصلی، سهم چین در معادلات منطقه‌ای را به‌طور سیستماتیک افزایش داده است.

۴-۱-۱. همکاری‌های دیپلماتیک

چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های پیشرو در جهان با توجه به وابستگی به واردات نفت از منطقه، منافع خود را در حفظ صلح و ثبات در غرب آسیا می‌بیند. کشورهای غرب آسیا برخلاف سیاست‌ها و اقدامات مداخله‌جویانه آمریکا در امور داخلی و سرنوشت کشورها، رویکرد چین مبنی بر عدم دخالت و تعهد به حفاظت از منافع مشترک از طریق استقلال سیاسی کشورها را فرصتی مهم برای تنوع بخشیدن به روابط اقتصادی و امنیتی خود می‌دانند (Singh, 2022). از این‌رو موقعیت چین به‌عنوان یک بازیگر بی‌طرف و غیر متعهد در منطقه به پکن توانایی منحصر به فردی برای افزایش مشارکت خود در ترویج صلح و تلاش‌ها برای میانجیگری در سال‌های اخیر در برخی از درگیری‌های برجسته منطقه، مانند میانجیگری میان ایران و عربستان (توافق پکن) در سال ۲۰۲۳ که بر اساس اسناد منتشرشده توسط مرکز مطالعات چین باعث افزایش ۴۰ درصدی مبادلات تجاری این کشور با ایران و عربستان در سال ۲۰۲۴ شد (Al-Su-dairi, 2024). در جریان مذاکرات افغانستان در سال ۲۰۲۳ که میزبان نشست سه‌جانبه با پاکستان و طالبان بود که منجر به امضای توافقنامه‌ای برای گسترش پروژه «کمربند-راه» با افغانستان شد (Ministry of Foreign Affairs of China, 2023). همچنین چین چین در ژانویه ۲۰۲۴ طرحی ۴ ماده‌ای «صلح یمن» را ارائه کرد که شامل تضمین امنیت تنگه باب‌المندب می‌شد (Xinhua, 2024).

از منظر واقع‌گرایی ته‌اجمی، دیپلماسی چین در غرب آسیا نه صرفاً یک تعامل صلح‌جویانه، بلکه ابزاری برای تضعیف هژمونی آمریکا و تحکیم جایگاه خود به‌عنوان قدرت جایگزین است. چین همچنین از راهبرد طعمه‌گذاری (مانند تقویت روابط با ایران و عربستان به‌صورت هم‌زمان) برای تضعیف اتحادهای آمریکا استفاده می‌کند. در این راستا به نظر می‌رسد چین با بهره‌گیری از رویکرد عدم مداخله، خود را در تقابل با سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا قرار داده و از این طریق اعتماد کشورهای منطقه را جلب کرده است؛ اما این بی‌طرفی ظاهری، در

عمل پوششی برای نفوذ در منطقه غرب آسیا است. در حقیقت هدف نهایی چین جایگزینی نظم آمریکایی با نظم چین محور می باشد؛ چراکه کشورهای غرب آسیا، به دلیل خستگی از مداخلات نظامی آمریکا، به چین به عنوان شریکی غیرتهاجمی می نگرند؛ اما از دید واقع گرایی تهاجمی، دیپلماسی صلح جو یانه پکن در واقع تلاشی برای حذف تدریجی نفوذ آمریکا از طریق جایگزینی وابستگی های اقتصادی، ایجاد شبکه ای از متحدان راهبردی که در بلندمدت پایگاه های نفوذ چین را تقویت می کنند و در نهایت عادی سازی روابط با گروه های غیردولتی (مانند طالبان) برای تضمین امنیت پروژه های مستقیم نظامی می باشد.

۴-۱-۲. همکاری های اقتصادی

از دهه های گذشته، چین به منبع اصلی سرمایه گذاری خارجی در غرب آسیا و همچنین شریک اصلی اقتصادی برای کشورهای منطقه بوده است. پکن برای رشد سریع اقتصادی و تبدیل شدن به بزرگترین صادرکننده کالا در جهان به نفت و گاز نیاز دارد. کشورهای عربی خلیج فارس هم برای تأمین مالی و تنوع اقتصادی به درآمدهای صادراتی نیاز دارند؛ بنابراین دیپلماسی «مشارکت چین با غرب آسیا» بر محورهای انرژی، ابتکار «کمربند-راه»، سرمایه گذاری خارجی، تجارت و فناوری متمرکز است. منطقه غرب آسیا از اجزای اصلی جغرافیایی «کمربند-راه» در چارچوب همکاری گسترده برای حمایت از صادرات، فناوری های نوین و سایر صنایع سنتی و نوظهور چین است. این طرح تقریباً از حمایت همه کشورهای عربی برخوردار است که خطوط ساحلی آن ها بخش دریایی طرح را تشکیل می دهد که تجارت و انرژی چین را از دریای مدیترانه به دریای چین جنوبی متصل می کند. اکنون ۲۱ کشور عربی، بخشی از طرح «کمربند-راه» چین هستند. چین تاکنون بدون وارد شدن به رویارویی آشکار با ایالات متحده موقعیت مسلط خود را در منطقه تثبیت کرده است (Mazel, 2022).

همچنین چین با ایجاد ظرفیت های فناوری نوآورانه می تواند خود را به عنوان منبع قابل اعتمادتری از فناوری و مقصد سرمایه گذاری مطمئن معرفی کند. بازارهای شرکت مخابراتی هوآوی که زیرساخت های «نسل پنجم»^۷ آن توسط غرب به دلیل نگرانی های امنیت سایبری کنار گذاشته شده است یا سیستم ناوبری ماهواره ای «بیدو»^۸ چین که رقیب

7. 5G

8. Beidou

جی‌پی‌اس آمریکا است، علاوه بر جذب در آسیا و آفریقا، زمینه‌های آزمایشی را در خاورمیانه نیز پیدا کرده‌اند (Feng, 2023).

درعین حال، بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها به سمت متحدان سنتی ایالات متحده می‌رود. جمهوری خلق چین همچنین در حال سرمایه‌گذاری هنگفتی در بندرهای تجاری است. چین تنگه‌های مالاکا و باب‌المندب را برای بقای اقتصادی خود حیاتی می‌داند، زیرا بیشتر واردات انرژی چین از مسیر این تنگه‌ها انجام می‌شود. پکن با بدتر شدن روابط چین و آمریکا، به دنبال افزایش کنترل بر این آبراه‌ها و کاهش توانایی نیروی دریایی ایالات متحده است (Batyuk & Morozov, 2022).

به این ترتیب تغییرات در رفتار سیاست خارجی چین بخصوص بعد از سال ۲۰۱۳ که اقتصاد این کشور را وارد مرحله جدیدتری نسبت به دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲ کرد که منجر به ظهور این کشور به عنوان یک بازیگر مهم در غرب آسیا شده است. سرمایه‌گذاری در قالب روابط مبتنی بر امنیت اقتصادی بین چین و کشورهای منطقه به سرعت گسترش یافته که نتیجه آن قراردادهای مشارکت‌های چین در غرب آسیا؛ که البته باید تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین، توافق‌نامه‌های پایان سال ۲۰۲۲ میلادی با عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز به آن اضافه نمود (سلحشور و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۱). در نتیجه از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، حضور اقتصادی چین در غرب آسیا نه یک همکاری صرفاً تجاری، بلکه ابزاری راهبردی برای تحکیم نفوذ ژئوپلیتیک، تضعیف هژمونی آمریکا و نیز برقراری موازنه در مقابل آمریکا در منطقه است. ابتکار «کمربند راه» ابزار اصلی چین برای گسترش نفوذ اقتصادی و دستیابی به منابع انرژی است. وابستگی چین به انرژی غرب آسیا و نیاز کشورهای عربی به سرمایه‌گذاری خارجی، فضایی ایدئال برای اجرای این راهبرد تهاجمی پکن ایجاد کرده است. ایجاد مشارکت‌های راهبردی با کشورهای منطقه (مانند توافق ۲۵ ساله با ایران) ابزار چین برای موازنه سازی در برابر آمریکا هست.

در جدول زیر وضعیت تبادلات تجاری تعدادی از کشورهای منطقه که مشارکت راهبردی جامع با چین دارند، بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۴ شرح داده شده است.

کشور	سطح همکاری	سال صدور بیانیه مشترک	حجم تجارت از ۲۰۱۹- ۲۰۲۳	رشد حجم تجارت	حوزه های کلان همکاری	پروژه های شاخص
جمهوری اسلامی ایران	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۶	۵۸/۳	+۹۱٪	انرژی، زیرساخت، امنیت	قرارداد ۲۵ ساله، بندر چابهار
عربستان سعودی	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۶	۸۹/۵	+۱۰۵٪	انرژی، فناوری	پترو-یون، شهر نیوم
عراق	مشارکت راهبردی	۲۰۱۵	۶۷/۴	+۱۲۱٪	انرژی	نیروگاه بصره
کویت	مشارکت راهبردی	۲۰۱۸	۴۲/۸	+۱۴۶٪	شهرسازی	شهر مبارک الکبیر
عمان	مشارکت راهبردی	۲۰۱۸	۴۶/۷	+۱۱۴٪	بندری، صنعتی	شهرک دقم
قطر	مشارکت راهبردی	۲۰۱۴	۲۱/۹	+۱۳۷٪	انرژی، ورزش	استادیوم های جام جهانی، نیروگاه راس لفان
امارات	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۸	۹۵/۱	+۷۵٪	لجستیک، مالی	شهرک هوشمند دبی
رژیم صهیونیستی	مشارکت راهبردی	۲۰۱۷	۲۷/۶	+۸۲٪	فناوری	پارک فناوری حيفا

منبع: (China Customs Statistics, 2024).

۴-۱-۳. همکاری های نظامی

به موازات تعامل رو به رشد اقتصادی و دیپلماتیک چین با غرب آسیا همکاری های امنیتی نیز رو به گسترش است، چین در حال تعمیق همکاری های نظامی به ویژه در بخش دریایی با کشورهای عربی است. تأسیس پایگاه دریایی در امارات، بازدید نیروی دریایی چین از بنادر شبه جزیره عربستان، مشارکت در مأموریت های آبی مبارزه با دزدی دریایی با همتایان منطقه ای، آموزش های مشترک نظامی بین نیروی دریایی چین با کشورهای منطقه و برگزاری

رزمایش‌های آبی قسمتی از سیاست‌ها و اقدامات جدید چین در منطقه است که پیام‌های مهمی برای غرب دارد (Camille Lone, 2019). گسترش حضور چین در زیرساخت بنادر در منطقه غرب آسیا و همچنین زیرساخت‌های ارتباطی هوآوی آمریکایی‌ها را نگران نفوذ نظامی چین و احتمال جمع‌آوری اطلاعات نظامی پنتاگون در کشورهای نظیر امارات و بحرین نموده است (Wasser et al., 2022).

چین همچنین از سال ۲۰۰۶ در قالب مشارکت در تأمین نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به لبنان کمک کرده است. فعالیت پیمانکاران امنیتی خصوصی چین نیز در غرب آسیا در قالب تأمین امنیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری در حال افزایش است. علاوه بر این چین فروش تسلیحات خود را به غرب آسیا بیشتر کرده است. با توجه به چالش‌هایی که در روابط ایالات متحده با کشورهای غرب آسیا در زمینه فروش سلاح‌های پیشرفته وجود دارد، چین با صادرات تجهیزات و تسلیحاتی از جمله موشک‌های بالستیک دانگ فنگ، هواپیماهای بدون سرنشین، بمب افکن نسل جدید به یک شریک قابل اعتماد برای بازیگران این منطقه تبدیل شده است (Forecast International, 2023, Akrami & Ramezani, 2024:18).

در حقیقت مبادلات تسلیحاتی یکی دیگر از متغیرهای اصلی شکل‌دهی به منافع اقتصادی چین در منطقه غرب آسیا است. این مبادلات از اواخر دهه ۱۹۷۰ روند افزایشی به خود گرفت و به تدریج چین را به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحات موردنیاز کشورهای این منطقه به‌ویژه کشورهای بزرگ آن تبدیل کرد. با افزایش تردید بسیاری از کشورهای عربی در مورد تعهد واشنگتن به امنیت منطقه‌ای، کشورها به‌طور فزاینده‌ای پذیرای تقاضاهای راهبردی چین هستند. چین علاوه بر تقویت توان نظامی خود در برابر ایالات متحده، نقش خود را به‌عنوان بازیگری راهبردی در منطقه با سیاستی برنامه‌ریزی‌شده و بهره‌برداری دقیق از شکاف‌های ایجادشده در اثر تغییرات سیاست خارجی ایالات متحده افزایش داده است. دولت چین تلاش کرده است علاوه بر واردات انرژی از کشورهای عربی در پی به دست آوردن جایگاهی در بازار تسلیحات منطقه‌ای باشد (Ozkarasahin, 2022).

درحالی‌که چین روابط خود را با متحدان نزدیک ایالات متحده بهبود می‌بخشد، واشینگتن با دو خطر زود هنگام مواجه است. خطر اول اقتصادی و خطر دوم راهبردی است. خطر اقتصادی این است که واشینگتن در حال از دست دادن سودآورترین بازار تسلیحات به بزرگ‌ترین رقیب

خود است. خطر دوم به ژئوپلیتیک مربوط می‌شود و پیامدهای راهبردی دارد چین در حالی که بازار رو به رشد تسلیحات را با جایگزین‌هایی برای تأمین‌کنندگان غربی پر می‌کند. گسترش همکاری‌های نظامی چین با کشورهای غرب آسیا (۲۰۱۹-۲۰۲۵) نشان‌دهنده رشد چشمگیر ۲۱۰ درصدی صادرات تسلیحاتی این کشور به منطقه است که از ۱.۲ میلیارد دلار در ۲۰۱۹ به ۳.۷ میلیارد دلار در ۲۰۲۳ رسیده است (SIPRI, 2024).

عربستان سعودی نیز با امضای قرارداد ۱.۲ میلیارد دلاری تولید مشترک پهپاد Wing Loong II در ۲۰۲۲ (Saudi Gazette, 2022) و امارات متحده عربی با خرید سیستم دفاع موشکی HQ-9B به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار در ۲۰۲۱ (Jane's Defence Weekly, 2021)، جایگاه برجسته‌ای در این همکاری‌ها دارند. چین علاوه بر فروش تسلیحات، با برگزاری ۴۵ دوره آموزشی برای ۱۲۰۰ افسر نظامی منطقه (China Academy of Military Scienc-es, 2023) و مشارکت در تمرینات مشترک مانند مانور دریایی سه‌جانبه با ایران و روسیه در ۲۰۲۳ (U.S. Naval Institute News, 2023)، نفوذ خود را گسترش داده است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این همکاری‌ها تا ۲۰۲۵ به ارزش ۵ میلیارد دلار در سال خواهد رسید (China's Military-Civil Fusion Development Report, 2024) و پروژه‌های کلانی مانند ساخت پایگاه لجستیکی ۴۰۰ میلیون دلاری در بندر جاسک ایران (Iranian Parliament Re-search Center, 2024) در دست اجرا هستند.

در چارچوب واقع‌گرایی تهاجمی، همکاری‌های نظامی چین با کشورهای غرب آسیا را می‌توان به‌عنوان تلاشی عمدی برای افزایش قدرت نسبی و تضعیف هژمونی ایالات متحده در منطقه تفسیر کرد. چین با گسترش صادرات تسلیحات پیشرفته (مانند پهپادهای جنگی به عربستان)، تمرینات مشترک نظامی (مانند رزمایش‌های ضد تروریستی با ایران) و ایجاد پایگاه‌های لجستیکی (نظیر جیوتی)، در تثبیت حضور خود در منطقه است. این اقدامات نه تنها وابستگی راهبردی کشورهای منطقه به پکن را افزایش می‌دهد، بلکه توانایی چین برای مداخله سریع در بحران‌های آینده (مانند تنش‌های تنگه هرمز) را تقویت می‌کند. چنین رفتاری ماهیتاً تهاجمی است، چراکه هدف نهایی آن جایگزینی نظم آمریکا محور با نظم چین محور از طریق توسعه نفوذ نظامی-امنیتی است، حتی اگر به‌ظاهر تحت عنوان «همکاری دفاعی غیرتهاجمی» صورت گیرد (Nawaz, 2024).

در جدول زیر وضعیت تبادلات مبادلات نظامی چین با کشورهای غرب آسیا (۲۰۱۹-۲۰۲۴) بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۴ شرح داده شده است.

کشور	ارزش مبادلات (میلیارد دلار)	سال اوج همکاری
ایران	۶۳۵	۲۰۲۳
عربستان سعودی	۱/۲۰۰	۲۰۲۲
امارات	۳۰۰	۲۰۲۱
قطر	۲۰۰	۲۰۲۰
عراق	۱۲۰	۲۰۲۲
سوریه	۹۰	۲۰۲۳
کل منطقه	۳/۷۰۰	۲۰۲۳

منبع: (SIPRI, 2024).

۲-۴. پاسخ ایالات متحده نسبت به نفوذ چین در منطقه غرب آسیا

خیزش چین به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی سلسله مراتب قدرت در سطح جهانی را با چالش مواجه ساخته است که چنین رخدادی می تواند حامل فرصت ها و چالش های متعددی برای کشورها و مناطق مختلف جهان باشد. در کنار قدرت اقتصادی فزاینده، چین در سال های اخیر به طور چشمگیری به سمت ارتقا و گسترش قابلیت های نظامی خود در محیط پیرامونی و فرا پیرامونی نیز مبادرت ورزیده است که نگرانی های امنیتی فراوانی را برای آینده هژمونی آمریکا در جهان رقم زده است. لذا چگونگی مقابله با این قدرت چالشگر به اولویت راهبردی مقامات آمریکایی در سده بیست و یکم میلادی تبدیل شده است (Alenezi, 2024: 106). همچنین افزایش مناسبات اقتصادی و سرمایه گذاری های وافر با کشورهای منطقه غرب آسیا به عنوان حوزه نفوذ سنتی آمریکا و منبع اصلی تأمین انرژی جهان به ویژه پس از ایفای نقش میانجی گیری چین در میانه تنش های ایران و عربستان، حساسیت ها و نگرانی ها را نسبت به اهداف و نیات چین در این پهنه سرزمینی برای سران آمریکایی دوچندان نموده است و امروزه مسئله مهار چین در غرب آسیا به یک سیاست کلی و بلندمدت برای مقامات آمریکایی مبدل گشته است که در ذیل به مهم ترین راهبردهای آمریکا در جهت مهار نفوذ چین در غرب آسیا از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ اشاره می شود.

۴-۲-۱. بازگشت به منطقه

در سال‌های اخیر، ایالات متحده در واکنش به گسترش نفوذ چین در غرب آسیا، سیاست بازگشت راهبردی^۹ را در پیش گرفته است. بر اساس گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، آمریکا از سال ۲۰۲۱ با افزایش حضور نظامی و دیپلماتیک خود در منطقه، تلاش کرده است تا توازن قدرت را به نفع خود تغییر دهد (Jones & Takeyh, 2023). از جمله اقدامات کلیدی ایالات متحده می‌توان به افزایش نیروهای دریایی در خلیج فارس از طریق ناوگان پنجم مستقر در بحرین (U.S. Naval Forces Central Command, 2023)، تقویت پایگاه‌های لجستیکی مانند پایگاه العدید در قطر با بودجه ۱.۸ میلیارد دلار (U.S. Department of Defense, 2022) و انعقاد پیمان‌های امنیتی جدید با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، از جمله توافق دفاعی با عربستان سعودی در ۲۰۲۳ (The White House, 2023) اشاره کرد.

در این راستا، گزارش شده است که ایالات متحده تمرینات خود را برای آماده‌سازی جهت استقرار پرسنل نظامی روی نفت‌کش‌ها آغاز کرده است. ایالات متحده همچنین بیش از ۳۰۰۰ نیروی تفنگدار دریایی را به منطقه اعزام کرده است. در جولای ۲۰۲۳ ایالات متحده جت‌های جنگنده مدرن اف-۳۵ و اف-۱۶ و همچنین کشتی‌های جنگی را برای کمک به نظارت و اسکورت تانکرهای عبوری روانه کرده است (Musthafa, 2023:4).

این حضور نظامی اگرچه در نگاه اول از سوی بسیاری از متخصصین و مقامات کشورهای منطقه در راستای مقابله با ایران در منطقه مورد تبیین و تفسیر قرار گرفت؛ اما در اصل بر مهار چین در منطقه تمرکز دارد. آمریکایی‌ها با بازگشت برخی از نیروهای خویش در حال مخابره این پیام به عربستان و متحدان منطقه‌ای هستند که در مرحله اول اجازه نخواهند داد که دولت‌های خلیج فارس به بستر حضور نظامی چین در منطقه تبدیل شوند. درواقع آمریکا با نمایش قدرت می‌خواهد نشان دهد که امپراتوری آن همچنان زنده است و هیچ تهدیدی بی‌پاسخ نخواهد ماند (Majidi, 2023:14).

در این راستا از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، سیاست «بازگشت راهبردی» آمریکا به غرب آسیا نشان‌دهنده واکنش تهاجمی به ظهور رقیب هژمونیک (چین) است. آمریکا از طریق این اقدامات چهار هدف اصلی قدرت‌های بزرگ را دنبال می‌کند؛ اول، حفظ هژمونی منطقه‌ای

9. Strategic Re-engagement

از طریق استقرار ناوگان پنجم در بحرین و ۳۰۰۰ تنگنادر دریایی و مدرنیزاسیون پایگاه العدید؛ دوم، کنترل مسیرهای حیاتی انرژی جهانی از طریق استقرار نیروی نفتکش‌ها و اسکورت تانکرها؛ سوم، ایجاد موازنه قدرت از طریق حضور نظامی گسترده و نمایش قدرت در منطقه؛ چهارم، جلوگیری از دستیابی رقبای به برتری نظامی از طریق باجگیری (توافق دفاعی ۲۰۲۳ با عربستان برای جلوگیری از چرخش ریاض به سمت پکن)، طعمه‌گذاری (تمرکز ظاهری بر ایران در حالی که هدف اصلی مهار چین است) و آتش‌باری معرکه (طولانی کردن تنش‌های منطقه‌ای برای تضعیف همه رقبای).

۴-۲-۲. کمک‌های اقتصادی

کمک‌های اقتصادی یکی از مزیت‌های ایالات متحده برای مقابله بانفوذ چین در منطقه است. بر اساس گزارش مؤسسه «رند» آمریکا به‌عنوان عضوی از کمیته کمک به توسعه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در تلاش برای همکاری اقتصادی با کشورهای غرب آسیا است. در سال ۲۰۱۸ کشورهای عضو کمیته کمک به توسعه ۱۳ میلیارد دلار کمک‌های دوجانبه رسمی را برای کشورهای غرب آسیا فراهم کردند. آمریکا با همکاری با کشورهای همفکر در کمیته کمک به توسعه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شرکای اهداکننده کمک به منطقه همانند ترکیه، عربستان، سعودی امارت و سایر نهادهای چندجانبه در صدد است تا فراتر از چین پیوند خود را با منطقه تحکیم بخشد. تلاش برای ادغام بیشتر تجارت از طریق تجارت آزاد دوجانبه و منطقه‌ای راهبرد دیگر ایالات متحده در جهت تعمیق روابط اقتصادی برای مقابله با چین است. همچنین ایالات متحده در پایان سال ۲۰۲۰ توافقنامه تجاری دوجانبه با پنج کشور منطقه از جمله بحرین، اسرائیل، اردن، مراکش و عمان داشته است (Kaye, 2021).

کمک‌های اقتصادی، ایجاد تسهیلات از طریق نهادهای چندجانبه همانند جی ۲۰، همکاری با شرکا و نهادهای منطقه‌ای همانند شورای همکاری خلیج فارس، پشتیبانی فنی و تحلیلی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از وام‌گیرندگان و استقرار گروه‌های کوچکی از کارشناسان مالی در کشورهای مهم از جمله راهبردهای ایالات متحده در دولت بایدن است که از سوی مؤسسه مرکز امنیت نوین ایالات متحده به این کشور پیشنهاد شده است (Stephen, 2021: 22). علاوه بر این آمریکا به شدت نگران سرمایه‌گذاری چین در غرب آسیا است. به‌عنوان مثال؛ حضور چین در اسرائیل در قالب طرح راه‌اندازی آب‌شیرین‌کن، تفاهم‌نامه استفاده از فناوری «نسل پنجم» چین

و ساخت دو بندر حیفا و شهر ساحلی اشدود در نزدیکی تل آویو محل ناوگان ششم دریایی ایالات متحده به شدت آمریکا را نگران کرده است. آمریکا در دولت ترامپ و سپس بایدن به دنبال ایجاد سازوکارهای برای نظارت بر عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه چین در اسرائیل است و در این چارچوب هیئتی از مشاوران برای نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی بین طرفین شکل گرفته است؛ بنابراین مشخص است که ایالات متحده به دنبال فعالیت‌های اقتصادی بیشتر در جهت ممانعت از نفوذ چین در غرب آسیا است و دولت بایدن در امر مصمم است.

در نتیجه باید گفت ایالات متحده با به‌کارگیری کمک‌های اقتصادی (۱۳ میلیارد دلار در ۲۰۱۸)، توافقی‌های تجاری دوجانبه (با ۵ کشور در روزهای پایانی ۲۰۲۰) و همکاری با نهادهای چندجانبه (مانند G20)، در تلاش است تا وابستگی اقتصادی کشورهای منطقه به غرب را تحکیم و نفوذ چین را مهار کند. این اقدامات، در چارچوب واقع‌گرایی تهاجمی مرشایمر، نه تنها به‌منظور جلوگیری از هژمونی منطقه‌ای چین، بلکه برای کنترل منابع راهبردی (مانند بنادر و مسیرهای انرژی) طراحی شده‌اند. آمریکا با امنیتی‌کردن اقتصاد (نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های چین در اسرائیل و محدود کردن دسترسی به فناوری‌های حیاتی) و باج‌گیری اقتصادی (ارائه کمک‌های مشروط)، درصدد است تا هزینه همکاری کشورهای منطقه با پکن را افزایش دهد. در نتیجه آمریکا می‌کوشد از طریق ابزارهای مختلف خود از جمله قدرت اقتصادی توازن قدرت در منطقه غرب آسیا را به نفع خود تغییر دهد.

۴-۲-۳. دیپلماسی فناوری

بحث جدی بین شرکت‌های فناوری چین و ایالات متحده بر روی ساخت شبکه «نسل پنجم» وجود دارد و شراکت چین با کشورهای غرب آسیا در زمینه فناوری اینترنت «نسل پنجم» زمینه‌نگرانی آمریکا فراهم کرده است. در دولت ترامپ واشنگتن «ابتکار شبکه پاک»^{۱۰} را آغاز کرد که بیش از ۵۳ متحد آمریکا به قطع فناوری چینی به‌ویژه هوآوی و زد تی ای تعهد دادند. واشنگتن اسرائیل را برای همکاری علیه فناوری چین در این حوزه متعهد کرد و برای مقابله با نفوذ فناوری چین با کشورهای عربی خلیج فارس وارد همکاری شد. ایالات متحده بر متحدانش در منطقه خلیج فارس فشار آورد که هوآوی را از شبکه «نسل پنجم» تحریم کنند تا از این طریق نفوذ

10. The Clean Network Initiative (CNI)

فناوری چین به متحدان خود را مسدود کند. باید در نظر داشت که آمریکا در حال فشار آوردن به کشورهای منطقه برای جلوگیری از نفوذ تکنولوژی چین است و هم‌اکنون کفه ترازو به نفع چین است (Soliman, 2021).

در نتیجه رقابت بر سر فناوری «نسل پنجم اینترنت» در غرب آسیا تجلی عینی نظریه واقع‌گرایی ته‌اجمی مرشایمر درباره «جنگ برای هژمونی» است، جایی که چین با استفاده از مزیت‌های فناوری «هوآوی» و «زد تی ای» در حال پیشروی در «جنگ بدون جنگ» برای تسلط بر زیرساخت‌های حیاتی ارتباطی منطقه است. ابتکار «شبکه پاک» آمریکا با جلب ۵۳ متحد، نشانگر تلاش واشنگتن برای ایجاد «اتحاد مهارکننده» علیه چین است، اما مقاومت کشورهای منطقه در برابر فشارهای آمریکا (مانند امارات و عربستان در پذیرش محدودیت‌های کامل علیه هوآوی) حاکی از محاسبات متفاوت این کشورها بین امنیت موردنظر آمریکا و منافع اقتصادی ناشی از همکاری با چین است. این تنش‌ها در حالی رخ می‌دهد که برتری فناوری و قیمت رقابتی شرکت‌های چینی، کفه ترازو را به نفع پکن سنگین کرده و آمریکا را مجبور به ترکیب فشار سیاسی به همراه مشوق‌های اقتصادی برای حفظ متحدان کرده است.

۴-۲-۴. سازمان‌دهی ائتلاف‌های چند لایه جدید

در سال‌های اخیر، ایالات متحده با درک تهدیدات ناشی از گسترش نفوذ چین در غرب آسیا، سیاست چندلایه‌ای را در پیش گرفته است که هم‌زمان سه محور ائتلاف‌سازی، فروش تسلیحات و دیپلماسی اقتصادی را پوشش می‌دهد. بر اساس گزارش سالانه ۲۰۲۱ پنتاگون به کنگره این راهبرد مبتنی بر ائتلاف‌سازی هوشمند می‌باشد که شامل تشکیل یک گروه دریایی در ۲۰۲۰ با مشارکت ۸ کشور منطقه که تا ۲۰۲۳ اعضای آن به ۱۴ عضو رسید، راه‌اندازی کواد خاورمیانه با محوریت مقابله با پروژه‌های چین در سال ۲۰۲۲ و در پایان برگزاری ۵۶ تمرین نظامی مشترک در سال ۲۰۲۳. در این دوره واشنگتن تلاش کرد تا از طریق رژیم‌سازی جدید زمینه مهار رقبا را فراهم کند. وزارت دفاع آمریکا در گزارش سالانه خود تحت عنوان تحولات نظامی - امنیتی مرتبط با جمهوری خلق چین در سال ۲۰۲۰، نگرانی خود را افزایش حضور نظامی چین در منطقه غرب آسیا و تأسیس پایگاه عملیاتی و لجستیکی برای ترکیب و حمایت از پایگاه جی‌بوتی و شاید تأسیس پایگاه در امارت ابراز کرد (Annual Report to Congress, 2021).

در می ۲۰۲۱، دانا استرول، معاون وزیر دفاع آمریکا در امور خاورمیانه، با هشدار درباره‌ی

گسترش نفوذ چین در خاورمیانه، همکاری نظامی، اقتصادی و سایبری این کشور با شرکای منطقه‌ای را تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا خواند. این اظهارات در چارچوب گزارش‌های پیشین مانند ادعای وال‌استریت ژورنال درباره دستیابی غیرمستقیم چین به فناوری جنگنده‌های اف-۳۵ از طریق امارات مطرح شد که نگرانی واشنگتن از انتقال فناوری‌های حساس به رقبای راهبردی را نشان می‌داد (Burton, 2020).

با این حال، تناقض آشکار در سیاست آمریکا زمانی مشهود است که همان کشور، برای مقابله با نفوذ چین و حفظ سهم بازار تسلیحاتی خود، قرارداد فروش پهپادهای پیشرفته به ارزش ۲.۹ میلیارد دلار به امارات را در ۲۰۲۰ امضا کرد. این اقدام، همراه با ابراز نگرانی ژنرال مک کنزی فرمانده سنتکام از اتحاد روسیه، چین و ایران، گویای راهبرد دوگانه‌ی آمریکا در منطقه می‌باشد؛ از یک سو هشدار درباره‌ی خطرات رقبای ژئوپلیتیک و از سوی دیگر، تشدید رقابت تسلیحاتی برای حفظ هژمونی (Stephen, 2021: 23).

بر این اساس سیاست چندلایه آمریکا در غرب آسیا نمونه بارز کاربست اصول واقع‌گرایی تهاجمی است که در آن واشنگتن با ترکیب سه محور اصلی در حال اجرای راهبرد مهار چندبعدی علیه چین می‌باشد. ایالات متحده با درک تهدیدات ناشی از گسترش نفوذ چین، سیاستی را در پیش گرفته که ترکیبی از ائتلاف‌سازی هوشمند (گروه دریایی ۱۴ عضوی، کواد خاورمیانه و ۵۶ رزمایش مشترک در ۲۰۲۳)، دیپلماسی تسلیحاتی دوگانه (فروش پهپادهای پیشرفته به امارات همراه با هشدار درباره انتقال فناوری) و رژیم‌سازی امنیتی (امنیتی کردن حضور چین در گزارش‌های پنتاگون) را شامل می‌شود. این راهبرد که مبتنی بر محاسبات قدرت مرشایمر است، از یک سو به دنبال مهار چین از طریق ایجاد وابستگی امنیتی متحدان منطقه‌ای است و از سوی دیگر با تناقض ذاتی بین تقویت توان نظامی متحدان و ترس از استقلال عمل آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند. موفقیت این سیاست به توانایی آمریکا در مدیریت این تناقض‌ها و جلوگیری از تبدیل رقابت تسلیحاتی به فرصتی برای نفوذ بیشتر چین بستگی دارد، درحالی‌که کشورهای منطقه به دلیل منافع اقتصادی با پکن، از قطب‌بندی کامل اجتناب می‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری

تحولات اخیر در نظام بین‌الملل، به‌ویژه رقابت میان چین و آمریکا، نشان‌دهنده تغییرات قابل توجه در موازنه قدرت جهانی است. منطقه غرب آسیا، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی،

منابع غنی انرژی و جایگاه راهبردی، به صحنه‌ای مهم برای رقابت این دو قدرت تبدیل شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که چین با استفاده از ابزارهای متنوع، از جمله ابتکار «کمربند-راه»، افزایش همکاری‌های نظامی و دیپلماتیک و گسترش روابط تجاری و فناوری، جایگاه خود را در غرب آسیا مستحکم کرده است و به تدریج به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در منطقه ظاهر شود.

در مقابل، ایالات متحده که سال‌ها نفوذ بی‌رقیبی در غرب آسیا داشته است، با چالشی جدی مواجه شده و برای مهار نفوذ چین مجبور به بازنگری در سیاست‌های خود شده است. ایالات متحده که در دهه‌های گذشته سیاست «چرخش به شرق آسیا» را در پیش گرفته و تلاش کرده است تمرکز خود را بر مهار چین در منطقه هند-آرام معطوف کند، اکنون با پیامدهای این تغییر راهبرد در غرب آسیا روبه‌رو شده است. با این حال، ایالات متحده در واکنش به این روند، بازنگری‌هایی در سیاست‌های خود انجام داده و راهبردهایی نظیر بازگشت نظامی محدود به منطقه، تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای و ارائه کمک‌های اقتصادی و فناوری به کشورهای متحد را دنبال کرده است.

در پاسخ به پرسش اصلی مقاله شواهد نشان می‌دهند که نفوذ فزاینده چین و چالش‌هایی که این کشور برای منافع راهبردی آمریکا در غرب آسیا ایجاد کرده، واشنگتن را وادار کرده است تا سیاست‌های خود را مورد بازنگری قرار دهد. حضور مجدد نظامی در منطقه، افزایش حمایت از متحدان سنتی مانند اسرائیل و عربستان و تلاش برای ممانعت از تسلط چین بر منابع انرژی منطقه، نمونه‌هایی از این بازگشت هستند. با این حال، این بازگشت به معنای تغییر کامل اولویت‌های آمریکا نیست. آمریکا همچنان شرق آسیا و مهار چین در منطقه هند-آرام را به عنوان اولویت اصلی سیاست خارجی خود حفظ کرده است. بازگشت به غرب آسیا بیشتر در قالب سیاستی متوازن انجام خواهد شد که در آن واشنگتن تلاش می‌کند با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی، نفوذ چین را محدود کند، بدون اینکه تمرکز خود را از شرق آسیا بردارد.

در نتیجه با توجه به مفروضات واقع‌گرایی تهاجمی، رقابت چین و آمریکا در غرب آسیا را می‌توان به عنوان نمونه‌ای بارز از رفتار قدرت‌های بزرگ در یک نظام آنارشیک و بدخیم تفسیر کرد. این رقابت نه تنها ناشی از ماهیت ذاتی دولت‌ها برای کسب قدرت و بقا است، بلکه ساختار نظام بین‌الملل نیز آن‌ها را به سمت افزایش قدرت نسبی و هژمونی منطقه‌ای سوق

می‌دهد. در این چارچوب هرکدام از این دو اهدافی را دنبال می‌کنند. هدف آمریکا به‌عنوان یک قدرت هژمون در نظام بین‌الملل حفظ برتری خود در غرب آسیا (به‌ویژه کنترل منابع انرژی، مهار رقبای منطقه‌ای و جلوگیری از ظهور قدرت‌های هژمون جدید) است. راهبرد آمریکا ترکیبی از موازنه سازی (مانند ائتلاف با عربستان و اسرائیل) و احاله مسئولیت (مانند کاهش حضور مستقیم و تکیه بر متحدان منطقه‌ای) است. چین نیز با هدف تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای در آسیا و رقابت با آمریکا، به دنبال نفوذ اقتصادی و نظامی در غرب آسیا است. ابتکار «کمربند-راه» ابزار اصلی چین برای گسترش نفوذ اقتصادی و دستیابی به منابع انرژی است. چین همچنین از راهبرد طعمه‌گذاری (مانند تقویت روابط با ایران و عربستان به‌صورت هم‌زمان) برای تضعیف اتحادهای آمریکا استفاده می‌کند.

در این راستا هرکدام از دو قدرت راهبردهایی را به کار بسته‌اند: اول، تهاجم غیرمستقیم از طریق (باج‌گیری و آتش‌باری معرکه): آمریکا از تحریم‌ها (به‌عنوان ابزار باج‌گیری) و حمایت از گروه‌های مخالف دولت‌های طرفدار چین برای ایجاد بی‌ثباتی استفاده می‌کند و چین با استفاده از افزایش قدرت اقتصادی (مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشورهای منطقه) سعی در جذب متحدان و افزایش نفوذ خود دارد. دوم، موازنه سازی: آمریکا با تقویت ناتو و همکاری با اسرائیل و کشورهای عربی، سعی در مهار نفوذ چین دارد و چین با ایجاد مشارکت‌های راهبردی با کشورهای منطقه (مانند توافق ۲۵ ساله با ایران) به موازنه سازی در برابر آمریکا می‌پردازد.

در همین راستا از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، غرب آسیا به دلیل منابع انرژی و جایگاه ژئوپلیتیک، صحنه اصلی رقابت قدرت‌های بزرگ است. عدم وجود یک نهاد فراملی برای تنظیم روابط، باعث شده تا هر دو طرف به خودپاری متوسل شوند. آمریکا با پایگاه‌های نظامی خود (مانند پایگاه العدید در قطر) سعی در حفظ حضور نظامی دارد و چین با افزایش حضور دریایی در خلیج فارس و همکاری با کشورهای منطقه به دنبال ایجاد امنیت انرژی برای خود است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Akrami, T., & Mohammadi Ramezani, M. (2024). Examining the strategic competition between America and China: Case study: West Asia region. *Scientific Quarterly of Middle East Studies*, 31(1), 127-143. [In Persian]
- Alenezi, D. A. (2024). US rebalance strategy to Asia and US-China rivalry in South China Sea from the perspective of the offensive realism. *Review of Economics and Political Science*, 9(2), 102-115. <https://doi.org/10.1108/REPS-10-2019-0132>.
- Al-Sudairi, M. (2024). The China effect: Saudi-Iran détente and its regional implications (Research Paper No. 24-01). King Faisal Center for Research and Islamic Studies. <https://www.aljazeera.com/opinions/2023/3/12/the-saudi-iran-detente-and-its-regional>.
- Benabdallah, L., Yellinek, R., & al., e. (2021). China's engagement in Africa and the Middle East. NATO Strategic Direction-South Hub. <https://thesouthern-hub.org/topics/socio-economic/china-engagement-africa-middle-east>.
- Burton, G. (2021). The US and China in the Middle East: Rivals or partners? Royal United Services Institute. https://www.rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/us-and-china-middle-east-rivals-or-partners?utm_source=chatgpt.com.
- Batyuk, V. I., & Morozov, Y. V. (2022). Politics and strategy of the United States, the Russian Federation, and China in the Middle East. *Herald of the Russian Academy of Sciences*, 92(Suppl. 10), S1010-S1017. <https://doi.org/10.1134/S1019331622100021>.
- China Institutes of Contemporary International Relations. (2023). China's investment trends in Belt and Road countries: 2013-2022. CICIR Press. <https://greenfdc.org/china-belt-and-road-initiative-bri-investment-report-2022/>.
- China Academy of Military Sciences. (2023). Annual report on international military cooperation. People's Liberation Army Press. https://english.pla.gov.cn/reports/2023/military_cooperation.pdf.
- China's Military-Civil Fusion Development Report. (2024). Export growth projections 2025. National Defense University Press. <https://en.ndupress.ndu.edu/Publications/Report/MCF-2024>.

- Department of Defense. (2020). Military and security developments involving the People's Republic of China: Annual report to Congress. <https://www.uscc.gov/annual-report/2020-annual-report-congress>.
- Feng, J. (2023). China makes moves in Middle East after Biden's frosty reception. Newsweek. <https://www.newsweek.com/china-saudi-arabia-gulf-middle-east-us-relations-economics-security-1768304>.
- International Institute for Strategic Studies. (2023). Military exercises database: China-Gulf cooperation. International Institute for Strategic Studies. <https://www.iiss.org/publications/military-balance>.
- Iranian Parliament Research Center. (2024). Strategic ports development plan. <https://rc.majlis.ir/en/report/download/1045782>.
- Janes Defence Weekly.(2021). UAE acquires Chinese HQ-9 missile systems. <https://www.janes.com/defence-news/news-detail/uae-acquires-chinese-hq-9-missile-systems>.
- Jones, S. G., & Takeyh, R. (2023). U.S. re-engagement in the Middle East: A strategic response to China (Report No. 2302). Center for Strategic and International Studies. <https://www.csis.org/analysis/framework-us-china-engagement>.
- Karimi Fard, H. (2023). Analysis of political and economic competition between America and China in the Middle East in the years 2021 to 2023. Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 5(4), 137-162. {In Persian}
- Kaye, D. D., Robinson, L., Martini, J., Vest, N., & Rhoades, A. L. (2021). Reimagining US Strategy in the Middle East: Sustainable Partnerships, Strategic Investments. https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA958-1.html.
- Lons, C., Fulton, J., Sun, D., & Al-Tamimi, N. (2019). China's great game in the Middle East. European Council on Foreign Relations. <https://geopolitical-compass.com/chinas-great-game-in-the-middle-east/>
- Majidi, M. (2023). 3,000 more U.S. troops to the Persian Gulf: New conflict coming against Iran? <https://liberationnews.org/3000-more-u-s-troops-to-the-persian-gulf-new-conflict-coming-against-iran/>
- Mandelbaum, M. (2019). The new containment: handling Russia, China, and

- Iran. Foreign Affairs, 98, 123. <https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2019-02-12/new-containment>.
- Mazel, Z. (2022). China's growing economic impact on the Middle East. GIS Reports. <https://www.gisreportsonline.com/r/china-middle-east/>
- Mearsheimer, J. (2001). The tragedy of great power politics, New York: Norton.
- Mearsheimer, J. (2001). The tragedy of great power politics (G. Cheghenizadeh, Trans.). Ministry of Foreign Affairs Publications. (Original work published 2001) Ministry of Foreign Affairs of China. (2023). Statistical yearbook of diplomatic exchanges: 2022 edition. MOFA Press.
- Ministry of Foreign Affairs of China. (2023). China-Pakistan-Afghanistan trilateral dialogue joint statement. https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/.
- Moshirzadeh, H. (2007). Development in the theories of international relations (3rd ed.). Samt. [In Persian]
- Musthafa, A. R. (2023). Behind the U.S. military mobilization to the Persian Gulf. <https://www.kompas.id/baca/english/2023/08/11/en-di-balik-gesekan-as-iran-di-teluk-persia>.
- Nagy, S. (2023). Drivers of US-China Strategic Competition: Understanding the Chinese Perspective. Institute for Security & Development Policy, 1-2. <https://www.isdp.eu/publication/drivers-of-u-s-china-strategic-competition-understanding-the-chinese-perspective/>
- Nawaz, A., & Owais, S. (2024). Global security initiative: China's architecture and its role in redefining security and resolving conflicts in Middle East. International Journal of Political Science and Governance, 6(2), 380-384. <https://orcasia.org/article/929/chinas-global-security-initiative>.
- Ozkarasahin, S. (2022). China makes a move in the Middle East: How far will Sino-Arab strategic rapprochement go? The Jamestown Foundation. <https://jamestown.org/program/china-makes-a-move-in-the-middle-east-how-far-will-sino-arab-strategic-rapprochement>.
- Pakbaten, M., & Talebi, A. (2024). The US and the policy of containing China in West Asia. Scientific Quarterly of Political Strategy, 8(3), 43-62. [In Persian]
- Pei, M. (2022). How the US can counter China's Middle East influence. Project

Syndicate. <https://www.aspistrategist.org.au/how-the-us-can-counter-chinas-middle-east-influence/>

Saudi Gazette. (2022). Saudi Arabia, China sign Wing Loong II drone deal. <https://saudigazette.com.sa/article/621234/SAUDI-ARABIA/Saudi-Arabia-China-sign-Wing-Loong-II-drone-deal>.

Sahu, A. (2024). U.S. and West Asia: An enduring obsession. The Defence Horizon Journal. <https://tdhj.org/blog/post/usa-west-asia/>.

Singh, M. (2022). The Middle East in a multipolar era: Why America's allies are flirting with Russia and China. Foreign Affairs. <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/middle-east-multipolar-era>.

Soliman, M. (2021). An Indo-Abrahamic alliance on the rise: How India, Israel, and the UAE are creating a new transregional order. Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/indo-abrahamic-alliance-rise-how-india-israel-and-uae-are-creating-new-transregional>.

Stockholm International Peace Research Institute. (2024). Arms Transfers Database. <https://www.sipri.org/databases/armstransfers>.

Tankel, S., Curtis, L., Fitt, J., & Goldberg, C. (2021). Positive visions, powerful partnerships: The keys to competing with China in a post-pandemic Indo-Pacific. Center for a New American Security. <https://www.cnas.org/publications/reports/positive-visions-powerful-partnerships>.

The White House. (2023). Joint statement on U.S.-Saudi strategic defense partnership. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2023/07/15/joint-statement-us-saudi-defense-partnership>.

U.S. Department of Defense. (2022). Military construction program: FY2022 annual report (DoD Publication No. 2022-015). <https://www.defense.gov/News/Reports>.

U.S. Naval Institute News. (2023). China-Iran-Russia naval drills in Indian Ocean. <https://news.usni.org/2023/03/12/china-iran-russia-begin-naval-exercise-in-indian-ocean>.

Wasser, B., Shatz, H. J., Drennan, J., Scobell, A., Carlson, B., & Crane, Y. K. (2022). Crossroads of competition: China, Russia, and the United States in the Mid-

- dle East. RAND Corporation. https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA325-1.html.
- World Bank. (2023). Middle East and North Africa economic update: China's growing role in the region. World Bank Group. <https://www.worldbank.org/en/region/mena/publication/mena-economic-update>.
- Xinhua. (2024, January 10). China proposes four-point peace plan for Yemen. <https://www.xinhuanet.com/english/>.
- Zafar, A. (2022). Growing Chinese involvement in West Asia: Factors and implications. *Indian Journal of International Studies*, 2(3 & 4), January-June & July-December 2022. <https://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.33434.72640>.
- Zhang, Y. (2022). Analysis of China's energy efficiency and influencing factors under carbon peaking and carbon neutrality goals. *Journal of Cleaner Production*, 370, 133604. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2022.133604>.